

(از نظریات)

بر بدن ماه گرفت باز در آرام است	سردار لطف ناله در آرام است
شعشع مانند مرلحم خود کرد آماه	باز در هر نفس غرق آرام است
بجان بر کوشیدیم باره دل	لطفه گر که بدان بکده گویم است
جان دهم شرح صفت از شب مجری در صبح	آه از درنگ آن لاله در آرام است

بود امده وصال اگر از صم نمف  
از نظریات سرود جان ز کار است

۱۹ ابر ۱۹۴۸